

## فهرست

یادداشت مترجم .....	نه
مقدمه .....	۱

### بخش اول: نگاهی تازه و استثنایی به واقعیت

۱. مغز همچون هولوگرام .....	۱۵
موفقیت در گام نخست .....	۱۸
بینایی نیز هولوگرافیک است .....	۲۳
معمای دیگری که با الگوی مغز هولوگرافیک تبیین می‌شوند .....	۲۶
آزمایشهای اثبات‌کننده وجود مغز هولوگرافیک .....	۳۳
زبان ریاضی هولوگرام .....	۳۵
رقصنده همچون شکلی موج‌گونه .....	۳۷
واکنش جماعت دانشمندان .....	۳۹
برخورد پریبرام با بوهم .....	۴۰
۲. کیهان همچون هولوگرام .....	۴۳
بوهم و همبستگی ماهوی .....	۴۷
دریای زنده الکترونها .....	۵۰
سرخوردگی بوهم .....	۵۱
میدانی تازه و گلوله‌ای که لینکلن را کشت .....	۵۲
اگر می‌خواهید بدانید کجا هستید از لامکان بپرسید .....	۵۴
ورود به هولوگرام .....	۵۸
نظمهای ناپیدا و واقعیتهای پیدا .....	۶۲
کلیت تقسیم‌ناپذیر همه اشیا .....	۶۴
آگاهی همچون شکلی ظریفتر از ماده .....	۶۶
انرژی یک تریلیون بمب اتمی در هر سانتی‌متر مکعب فضا .....	۶۸
آزمونها جهان هولوگرافیک بوهم را تأیید می‌کنند .....	۷۰

- ۷۱ ..... واکنش جامعه فیزیکدانها
- ۷۲ ..... پریبرام و بوهم با هم

## بخش دوم: ذهن و جسم

۳. الگوی هولوگرافیک و روان‌شناسی ..... ۷۷
- رؤیاها و جهان هولوگرافیک ..... ۸۰
- روان‌پریشی و نظم مستتر ..... ۸۳
- رؤیاهای روشن و جهانهای موازی ..... ۸۵
- گردش در ترن زیرزمینی لایتاهی ..... ۸۷
- درمان هولوتراپیک ..... ۹۵
- گردابهای اندیشه و شخصیت‌های چندگانه ..... ۹۶
- عیب و نقص در بافت واقعیت ..... ۱۰۲
۴. من ترانه تن هولوگرافیک را می‌خوانم ..... ۱۰۹
- بازیهای بسکتبال ذهن ..... ۱۱۷
- عدم انفصال میان سلامتی و بیماری ..... ۱۱۹
- قدرت درمان‌کننده هیچ چیز ..... ۱۲۱
- تومورهایی که همچون گلوله برفی روی بخاری داغ آب می‌شود ..... ۱۲۵
- آیا داروها واقعاً اثرگذارند؟ ..... ۱۲۸
- عوارض چندشخصیتی بودن در سلامت فرد ..... ۱۳۲
- حاملگی، پیوند عضو، و نفوذ به سطح ژنتیک ..... ۱۳۷
- تصاویری که به خارج از مغز فراتابیده می‌شوند ..... ۱۵۱
- قوانین شناخته و ناشناخته ..... ۱۵۳
- میکروسیستم‌های مستعد طب سوزنی و مرد کوچک توی گوش ..... ۱۵۴
- تجهیز قدرتهای مغز هولوگرافیک ..... ۱۶۱
۵. جیبی پُر از معجزه ..... ۱۶۳
- گرملین در ماشین ..... ۱۶۸
- جنبش فراروانی در مقیاسی وسیع تر ..... ۱۷۳
- جنبش فراروانی انبوه در فرانسه قرن هجدهم ..... ۱۷۶
- باز برنامه‌ریزی آپارات سینمایی کیهانی ..... ۱۸۱
- قوانین علم فیزیک به مثابه عادات و واقعیت‌های بالقوه و واقعی ..... ۱۸۷
- آیا آگاهی ذرات زیراتمی را می‌آفریند یا ذرات زیراتمی را ..... ۱۹۰

## فهرست

هفت

- ۲۰۱ ..... می توان در ازای هیچ چیز چیزی به دست آورد
- ۲۱۳ ..... تغییر دادن کلّ تصویر
- ۲۱۷ ..... همه اینها به چه معناست؟
- ۲۲۵ ..... ۶. دیدن هولوگرافیکی
- ۲۲۸ ..... میدان انرژی انسانی
- ۲۳۴ ..... میدان انرژی روان انسانی
- ۲۳۷ ..... پزشکی که میدان انرژی انسانی را می بینند
- ۲۴۲ ..... الگوهای هولوگرافیک آشفستگی
- ۲۴۸ ..... میدان انرژی انسانی از چه ساخته شده است؟
- ۲۴۹ ..... تصاویر سه بعدی در هاله
- ۲۵۱ ..... تصاویر متحرک در هاله
- ۲۵۵ ..... ارزیابی بدن هولوگرافیک
- ۲۵۶ ..... دیدن اشعه ایکسی
- ۲۶۰ ..... درون بینی و شمنیسم
- ۲۶۱ ..... میدان انرژی همچون طرحی کیهانی
- ۲۶۴ ..... واقعیت مشارکت کننده
- ۲۶۵ ..... ذهن و میدان انرژی انسانی

## بخش سوم: فضا و زمان

- ۲۷۱ ..... ۷. زمان خارج از ذهن
- ۲۷۵ ..... گذشته همچون هولوگرام
- ۲۷۸ ..... اشباح مربوط به گذشته
- ۲۸۳ ..... آینده هولوگرافیک
- ۲۸۸ ..... ما همه پیش آگاه هستیم
- ۲۹۰ ..... هولوجسهای ایمان
- ۲۹۴ ..... جوهره سایه وار روح
- ۳۰۴ ..... اندیشه در مقام چیزی سازنده
- ۳۰۸ ..... نشانه ای از چیزی عمیق تر
- ۳۰۹ ..... سه گواه پایانی
- ۳۱۷ ..... ۸. سفر در سوپر هولوگرام
- ۳۲۴ ..... تجربه تجرد روح همچون پدیده ای هولوگرافیک

۳۳۲	تجربه حالت نزدیک به مرگ .....
۳۳۹	توضیح هولوگرافیک تجربه حالت نزدیک به مرگ .....
۳۴۲	آسمان همچون هولوگرام .....
۳۴۶	دانش آنی .....
۳۵۳	برنامه زندگی و «جهانهای موازی» .....
۳۵۶	می توانید بخورید ولی مجبور نیستید .....
۳۵۸	اخبار مربوط به قلمروی حالت نزدیک به مرگ از منابع دیگر .....
۳۶۳	سرزمین هیچ کجا .....
۳۶۵	تصاویر هوشمند و هماهنگ شده نور .....
۳۶۷	اشارات دیگری به نور .....
۳۷۱	بقا در لایتناهی .....
۳۷۵	تالووی بی چون و چرای معنوی .....
۳۷۹	موجودات نورانی چه کسانی هستند؟ .....
۳۸۴	عالم مثال یا جهان عینی-ذهنی .....
۴۰۱	۹. بازگشت به زمان رؤیایی .....
۴۰۶	شمع و لیزر .....
۴۰۹	آینده ایده هولوگرافیک .....
۴۱۲	ضرورت احیای اساسی ساختار علم .....
۴۱۸	جهشی تکاملی به سوی آگاهی برتر .....
۴۲۵	یادداشتها .....

## یادداشت مترجم

کتاب جهان هولوگرافیک را نخست چند سال پیش دوست عزیزم داریوش شایگان در سفر آمریکا کشف کرد و گویا چنان به هیجان آمده بود که چند روز بعد را فقط صرف صحبت در باب این کتاب کرده بود.

شایگان بخصوص تئوریهای دیوید بوهم، فیزیکدان برجسته کوانتوم، و نیز کارل پریبرام، متخصص فیزیولوژی اعصاب، و مفهوم نظم مستتر (implicate order) و نظم نامستتر (explicate order) و کل جهان هولوگرافیک را جالب و هیجان‌انگیز یافته بود.

آوازه کتاب بزودی به خانم گلی ترقی و به من هم رسید. خانم ترقی هم که آن را خوانده بود مثل داریوش شایگان به سخن‌پراکنی و ابراز هیجان پرداخت و خلاصه حسابی مرا شیفته کرد.

او البته علاوه بر ایده دو نظم مستتر و نامستتر که بیشتر زنگ صدای جهان مثل وار افلاطون را می‌داد، از این که جهان هولوگرافیک در حالی که آنجاست و دیده می‌شود، مثل تصویر سه بُعدی پرنس لیا در فیلم جنگ ستارگان، آنجا نیست و وقتی دستتان را از میانش رد می‌کنید هیچ چیز نیست، و نیز از بی‌نهایت حوادث و موقعیتهای شگفت‌انگیز کتاب می‌گفت و مدام به دنبال گوش شنوا می‌گشت تا آنها را دقیق و مفصل صورت‌بندی کند.

و من وقتی آن را خواندم، عین یک داستان شیرین هیجان‌انگیز بود که در عین حال داشت به سؤالهای بزرگ هستی‌شناختی، یزدان‌شناختی و فلسفی من نیز جور خاصی جواب روشن‌امروزی می‌داد (فارغ از رمز و راز و ابهام) که تا حدی باورپذیر می‌نمود.

البته شاید برای قوم متافیزیک‌زده ما که خاطره قومی مان آکنده از صورتهای ازلی و مثالی است و چه بخواهیم چه نخواهیم در بند شهرهای خیالی جابلقا و جابلسا و صُورِ معلقیم و عالم مثالی را که به جدّ می‌گیریم نه از جنس ماده است و نه از جنس روح، بلکه معلق میان این دوست، برای ذهنیت‌هایی از این دست، این کتاب بیش و کم همان مفاهیم را به زبان مدرن علمی امروزی بیان می‌کند (و نویسنده معتقد است برای عموم مردم نوشته شده نه متخصصان فیزیک و فلسفه، و اگر خواننده بتواند سی‌چهل صفحه اول را تحمل کند، کتاب او را برده است) و نشان می‌دهد که معجزه تولید نان در صحرای جلیله به دست عیسی مسیح، یا شیء‌سازی سای بابا از هیچ در فضا، یا هر یک از معجزاتی که خود کتاب بدقت و یک به یک با جزئیات برمی‌شمرد. همه اینها در آن مفهوم اساسی تئوری بوهام مبنی بر ایده «همبستگی ماهوی همه چیزها»<sup>۱</sup>، بخوبی می‌گنجد.

از آنجا که وجه عمیق واقعیت موجود جهان ما امواج و ذرات متحرک لامکان و فرکانسهای بی‌شماری است که در هر لحظه هر جا هستند، که هم موج‌اند و هم ذره، و تمام جهان ما، کهکشانهای ما و حتی فضاهاهی خالی ما را احاطه کرده‌اند، این جهانی است که در آن سنگ و کوه و خاک و آب دارای شعورند و می‌توانند آگاهانه به امواج یا ذرات ساطع شده از ذهن ما پاسخ دهند. و از طرفی آگاهی انسانی نیز علاوه بر موج می‌تواند خاصیت ذره داشته باشد و طبق قانون لامکانی ذرات زیراتمی، می‌تواند هر لحظه هر جا باشد. جنبش فراروانی (که برگردان خوبی برای واژه psychokinesis نیست)، یا متحرک ساختن اشیا از راه دور، که خوبی در ایده همبستگی ماهوی جا می‌گیرد، همراه با طوماری از اعمال و کردار فراطبیعی را در این کتاب، نویسنده پشت سرهم قطار کرده است تا یکی از یکی دیگر حیرت‌آورتر و شگفت‌انگیزتر باشد.

جهان هولوگرافیک آن جهانی است که هر قطعه کوچک و هر ذره آن قطعه، تمام ویژگیها و اطلاعات کل را در بر دارد، یعنی تمامی محتوای کل در هر جزء نیز مستتر است. و این به‌واقع خصلت مغز ماست که ساختاری هولوگرافیک دارد،

1. interconnectedness of all things

و خاطره و درد و تجربه و برخی چیزهای دیگر را نه تنها در مغز که در هر ذره کوچک آن نیز نگهداری می‌کند. و نیز همین خصلت کلی این جهان ماست که جهانی هولوگرافیک است.

در این کتاب، اتفاقاً بخشی هم هست که از علما و عرفای مکاتب عرفانی ایران و از شهرهای خیالی - مثالی جابلقا، جابلسا و غیره سخن می‌گوید و این که چگونه این حکیمان بزرگ به راز آن جهان، یا واقعیت دیگر یعنی نظم مستتر پی برده و گاه در صورت خیال و بینش اساطیری خود، یا در خوابها و خیالهایشان آنها را بوضوح می‌دیدند.

بوهم معتقد است که علاوه بر واقعیت آروینی (آمپیریک) موجود که همان نظم پیدا و نامستور است، نظم دیگری هم هست که ناپیدا و در خود پوشیده است. و این همان جهان امواج و فرکانسهای تداخل یافته بی‌شکل است که ما از عهدۀ دیدن شکل واقعی آنها، جز از طریق ابزار و ادواتی خاص (مغزمان)، بر نمی‌آییم. این جهان فرکانسها وقتی با گیرنده‌های حواس و مغز ما ارتباط برقرار می‌کند، از میان ساختار خاص مغز همچون صافی ما گذر می‌کند و به سنگ و کوه و شن تبدیل می‌شود.

حال کدام یک از این واقعیتها واقعی تر است؟

خاصیت دیگر کتاب آن است که شاید تلنگر ناچیزی باشد به کسانی که موج مدرنیته دل و ایمانشان را شبهه‌دار کرده و غبار شک بر آن نشانده است، و نیز آنهایی که از سخنان متافیزیکی بی‌محتوا خسته شده‌اند و هنوز برای عقل و منطق انسانی احترام قائل‌اند؛ تلنگری ناچیز برای رسیدن به آگاهی‌ای هر چند محدود. در پایان، پوزش می‌طلبم از نارسایی‌های احتمالی ترجمه کتاب، و تشکر می‌کنم از آقای شایگان و نشر هرمس و آقای ساغروانی و ویراستاران محترم که برای این کتاب زحمت بسیار کشیده‌اند.

داریوش مهرجویی

